

## فرهنگ‌یگان

# فرهنگ‌یگان

<div><div><span><span>📰</span></span></div><div><div>شنبه ۱۴ مهر ۱۴۰۳</div></div></div>
<div><div><span><span>📖</span></span></div><div><div>شماره ۴۲۴۴</div></div></div>
<div><div><span><span>🌐</span></span></div><div><div>FARHIKHTEGANDAILY.COM</div></div></div>
<div><div><span><span>🌐</span></span></div><div><div>FARHIKHTEGANONLINE</div></div></div>

## موضوعات

## موضوعات

## موضوعات

- مدیرمسئول:**
- محمدامین ایمانجانی
- قائم‌مقام مدیرمسئول:**
- مسعود فروغی
- سردبیر:**
- محمد زعیم‌زاده
- تلفن و فکس:**
- ۶۲۹۹۹۹۴۵ (۰۲۱)
- کدپستی:**
- ۱۱۳۵۳۳۸۱۶
- چاپ:**
- چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
- نشانی:**
- خیابان حافظ،بایین‌ترازجمهوری
- روبه‌روی ساختمان‌پرس

ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

# ۱۶

تحلیل فارن افروز از تحرکات نظامی رژیم صهیونیستی

# حتی موفقیت نظامی تل آویو به شکست سیاسی اسرائیل می‌انجامد؟

■ **اسرائیل در حال از دست دادن موقعیت اقتصادی خود و خروج قابل توجهی از نخبگان لیبرال است**

**الهام عابدینی**  
**پژوهش‌روابط بین‌الملل**

نشریه فارن افروز در گزارشی به فعالیت‌های نظامی رژیم صهیونیستی در خاورمیانه پرداخت و نوشت تلاش‌های نظامی این رژیم نتوانسته است رؤیای نتانیاهو را در متحد کردن جامعه یهودیان محقق کند و اقدامات او سبب ایجاد شکاف در داخل رژیم صهیونیستی شده است.

در این گزارش آلفون بن باعنوان «تناقض شکست اسرائیل؛ موفقیت نظامی اسرائیل چگونه به شکست سیاسی آن می‌انجامد؟» جنگ در یک سال گذشته را بررسی کرده است. مطلب ذیل ترجمه و طبیعی است که همه منطق و الفاظ استفاده شده در این متن مورد تایید «فرهیختگان» نیست، اما جهت اطلاع از ابعاد مختلف موضوع، در یک روزنامه دانشگاهی عینا منتشر می شود.



در ۷ اکتبر سال گذشته، حماس سازمان نظامی و اطلاعاتی مشهور اسرائیلی را غافلگیر کرد. هر دوی آنها طی سال‌ها از تدارک این گروه مسلح فلسطینی برای حمله به اسرائیل و کشتن و ربودن سربازان و شهروندان آن مطلع بودند. اما آنها نمی‌توانستند باور کنند این گروه جرأت انجام چنین عملیات بی سابقه‌ای را پیدا می‌کند یا اینکه موفق می‌شود. ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و همچنین عموم مردم اسرائیل همگی بر این باور بودند مرزهای مستحکم جنوبی کشورشان آنقدر غیرقابل نفوذ و توازن قوا آنقدر برای اسرائیل مطلوب است که حماس هرگز وضعیت موجود را به چالش نخواهد کشید.

اما حماس این وضعیت را به چالش کشید. طی روزها و هفته‌ها پس از آغاز حمله ویرانگر حماس، سخن رایج در میان اسرائیلی‌ها این بود که «همه چیز تغییر کرده است.» همچنین برای مدتی به نظر می‌رسید که همه چیز تغییر کرده است؛ این حمله اعتمادبه‌نفس اسرائیلی‌ها را از بین برد و باورهای دیرینه در این‌رباط با امنیت، سیاست و رهبران‌های اجتماعی این کشور را متزلزل کرد. رهبری نیروهای فدایی اسرائیل یک شبه اعتبار خود را از دست داد. در حالی که جزئیاتی در این باره منتشر می‌شد که چگونه نتوانست از این حمله جلوگیری کند و سپس برای نجات جوامع مرزی، پاسگاه‌های نظامی و افرادی در دفاع حاضر در یک جشنواره موسیقی بسیار دیرهنگام وارد عمل شد. درام سیاسی که طی ۹ ماه منتهی به روز ۷ اکتبر اسرائیل را در بر گرفته بود منجر شد تا تلاش نتانیاهو برای بازنگری گسترده در دستگاه قضائی، با هدف محدود کردن استقلال نهادهای دولتی همانند دیوان عالی، دفتر دادستانی کل و خدمات مدنی تکنوکرات برای هدایت قدرت هر چه بیشتر به سوی راست‌گرایان و متحدان مذهبی خود را با نظرها ناپدید شود. یاریو لوین، وزیر دادگستری که معیار اصلی این اصلاحات اساسی بود احتمالاً به دلیل پشتیبانی به خاطر نقشش در پرت کردن حواس اسرائیل قبل از حمله حماس، از نظرها ناپدید شد. نتانیاهو یک کابینه واحد جنگ را تشکیل داد که نماینده جناح‌های سیاسی مختلف بودند و در عرض چند روز، حدود ۲۵ هزار نیروی ذخیره را برای آغاز یک حمله متقابل به غزه فراخواند.

### شکست در غزه

ارتش اسرائیل با غلبه بر شروک اولیه خود، با انتقام جویی به مقابله پرداخت. ارتش اسرائیل که مسئول از بین بردن قابلیت‌های نظامی و حکومتی حماس بود، بخش‌های زیادی از غزه را به ویرانه تبدیل کرد و براساس ارزیابی‌های رسمی اسرائیل، حدود ۲ میلیون شهروند در غزه را آواره ساخت و بیش از ۴۰ هزار فلسطینی را کشت. ارتش اسرائیل عملاًسبب شد شلیک موشک از سوی حماس به سوی اسرائیل متوقف شود و بسیاری از تونل‌ها در غزه را منهدم کرد. ارتش اسرائیل می‌گوید این گروه را که قبلاً به خوبی سازماندهی شده بود به تیم‌های چریکی پراکنده تبدیل کرده است.

اما حتی با اشغال حدود یک‌سوم خاک غزه توسط ارتش اسرائیل، از نظر بسیاری از اسرائیلی‌ها، وضعیت فعلی همانند شکست به نظر می‌رسد. با وجود بسبج کامل و حمایت تزلزل‌ناپذیر دولت آمریکا، ارتش اسرائیل - که همچنان تحت فرمانی مشابه فرمان صادر شده در روز هفتم ماه اکتبر قرار دارد- نتوانسته است پیروز شود. بیچی سنوار، رهبر حماس تسلیم نشده است. براساس سخنان خود نتانیاهو، حدود ۱۰۰گروگان اسرائیلی در غزه مفقود شده‌اند که حدود نیمی از آنها همچنان زنده‌اند.

این فرآیند فاجعه بار، به همراه انزوای فرآینده اسرائیل در سطح جهان و چشم‌انداز اقتصادی تیره‌تر فرآینده، به ایجاد احساس ناامیدی در سطح ملی کمک می‌کند. در واقع، به طرز متناقض، ابعاد مهم سیاست و جامعه اسرائیلی پس از عوابع فوری ناشی از حمله حماس، به طرز شگفت‌آوری تغییر کرده است. شهروندان جوامع مرزی در شمال و جنوب همچنان قادر به بازگشت به خانه‌های خود نیستند. نبرد اسرائیل علیه دشمنان خارجی‌اش به جای متحد کردن اسرائیلی‌های یهودی تنها سبب افزایش شکاف‌های اجتماعی و سیاسی موجود بین مخالفان نتانیاهو و حامیان او شده است. نتانیاهو با ناکام گذشتن انتظارات دشمنان و دوستانش، همچنان به عنوان مرکز ثقل در سیاست اسرائیل عمل می‌کند. ائتلاف دست راستی که او را بر سر قدرت نگه داشته است، تایید خود را برای سرکوب جنبش دولت‌سازی فلسطین و «جایگزینی نخبگان اسرائیلی» افزایش داده است، که اصطلاحی برای تخریب نهادهای دموکراتیک و لیبرال اسرائیل محسوب می‌شود.

### جنگ لبنان واقعیت را تغییر نمی‌دهد

سپس در ۱۷ سپتامبر، ارتش اسرائیل شروع به انجام یک سری ضد حمله‌های جسورانه فرآینده علیه مهیب‌ترین دشمن همسایه خود یعنی حزب‌الله لبنان کرد که یک روز پس از حمله حماس در جنوب، جبهه دوم را در شمال گشود. اسرائیل اقدام به تورو(سید)حسن نصرالله، رهبر دیرینه حزب‌الله و حمله زمینی به جنوب لبنان را آغاز کرد. بسیاری از تفسیرهای رسانه‌ای جریان اصلی اسرائیل، گسترش خصومت‌ها علیه شمال اسرائیل را به عنوان یک فرصت معرفی کرده است؛ نه تنها برای اسرائیل که حزب‌الله را درهم بکوبد، بلکه برای اینکه بتواند به خودش ثابت کند سرانجام در سالی که با مشکلات وحشتناکی روبه‌رو شد، توانسته است ثابت کند به یک طرف الهام‌بخش از نظر هوش، قدرت و فناوری تبدیل شده و در سطح جهانی مورد تجلیل قرار گرفته است. اما همان‌طور که جنگ غزه بسیاری از واقعیت‌های تهدیدآمیز اساسی پیش روی اسرائیل را به آشکارایی‌ها نر اپیش‌بینی می‌کردند، تغییر نداد، این جبهه جدید نیز واقعیات را تغییر نخواهد داد مگر اینکه اسرائیل با تغییرات عمیق‌تری مواجه شود که باید در سیاست خود در قبال فلسطینی‌ها و سیاست داخلی خود اعمال کند.

یک هفته پس از حمله ۷ اکتبر، اگر به یک شهروند عادی اسرائیلی - حتی یک طرفدار نتانیاهو- می‌گفتید «بی‌ی» یک سال دیگر همچنان نخست‌وزیر خواهد بود و قدرت او تحت کنترل همان ائتلاف راست قرار خواهد داشت، احتمالاً او حرف شما را باور نمی‌کرد. در طول تاریخ اسرائیل، پس از بدترین

فجایع امنیتی این کشور، دولت غیرنظامی درنهایت سقوط کرده است. پس از ناکامی‌های ارتش در طول جنگ یوم‌کپور در سال ۱۹۷۳ و تهاجم آن به لبنان در سال ۱۹۸۲، نیروهای ذخیره خشمگین برای نشان دادن اعتراض خود از جبهه بازگشتند و گلدامیرو مناجیم بگین، نخست‌وزیران اسرائیل را وادار به استعفا کردند. در هر دو مورد، در عرض چند ماه، دولت تحقیقات گسترده‌ای را در این باره آغاز کرد که چه اشتباهی رخ داده است.

منطقی بود تصور کنیم شرایط برای نتانیاهو از این هم بدتر شود. در طول چنددین دهه در سیاست، او خود را به عنوان «آقای امنیت» معرفی کرد، او مدعی شد بهتر از ژنرال‌های اسرائیلی -که آنها را ترسو و بی‌خیال که بیش از حد به خواسته‌های آمریکا توجه نشان می‌دهند- می‌داند چگونه کشور را ایمن نگه دارد. سرسخت‌ترین رقبای سیاسی او فرماندهان نظامی سابق بوده‌اند که به‌عنوان نخست‌وزیر یا وزیر دفاع اسرائیل نیز خدمت کرده‌اند؛ مردانی همانند اسحاق رابین، ایهود باراک، آریل شارون، بنی گانتس و یوآو گالانت، وزیر دفاع (جنگ) فعلی اسرائیل. به‌طور سنتی، بالاترین سمت‌ها در ارتش اسرائیل و سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل در اختیار اشنکنازی‌های لیبرال بوده است؛ نهادهی که نتانیاهو مدت‌ها معتمد به غضب آن بود. این تشکیلات بود که منجر به قیام مردمی علیه پیشنهاد نتانیاهو در اوایل سال ۲۰۲۳ برای بازنگری در دستگاه قضایی اسرائیل شد.

طی سال‌های قبل از ۷ اکتبر، برخی از رهبران عرب اسرائیلی تلاش‌های موفقیت‌آمیزی را برای ادغام شهروندان فلسطینی اسرائیل در جامعه از طریق تأمین حقوق برابر و فرصت‌های اقتصادی بیشتر، انجام دادند. پس از حمله حماس، دولت این کارزار را با بازداشت و اعلان کيفرخواست علیه شهروندان عرب به دلیل مطالب‌شان در رسانه‌های اجتماعی و ممانعت از برگزاری تظاهرات ضد جنگ توسط عرب‌ها، لغو کرد. رسانه‌های جریان اصلی با پرهیز از افزودن صداهای عربی به تنف‌های تفسیری بی‌پایان خود، همین روند را دنبال کردند. در کمتر از ۲ سال، ائتلاف نتانیاهو کنترل سیاسی نیروی پلیس ملی را به دست گرفت و آن را به ابزار شخصی و حزب‌پرسی یعنی ملی پوپولیست اسرائیل یعنی اینتامار بن‌گوریر، شاکر خاخام نژادپرست عمیق مایر کاهانه تبدیل کرد. بن‌گوریر کارزار جنگ بورکراتیک را آغاز کرد، دوستان خود را در مشاغل اصلی منصوب و افسرانی را که به‌طور غیرقانونی معترضان ضددولتی را دستگیر می‌کردند یا با خشونت به آنها حمله کرده بودند، ارتقا داد، در حالی که چشمان خود را روی کشتار شهوک‌نشینان افراطی یهودی در روستاهای فلسطینی و افزایش شدید جنایات خشونت‌آمیز در جوامع عرب اسرائیل بست. از نظر بن‌گوریر، برتری یهود در این است؛ هر چه تعداد اعراب کمتر باشد، برای یهودیان بهتر است. طی دهه‌میان اواخر، بیشتر یهودیان اسرائیلی چنین مواضع متعصبانه‌ای را بد می‌دانستند. اما در دهه‌های بعد مخالفت صریح با آنها، موضوع را عادی کرده است. در همین حال، یکی دیگر از مقامات راست افراطی در کابینه نتانیاهو یعنی اسموتریچ، وزیر دارایی اسرائیل، هدایت تلاش‌ها برای تصرف زمین در کرانه باختری و تضعیف تشکیلات خودگردان فلسطین از طریق قطع منابع مالی را برعهده دارد. اسموتریچ و بن‌گوریر به وضوح هدف خود را بیان کرده‌اند؛ الحاق کامل کرانه باختری توسط اسرائیل که اکنون با اشغال رسمی غزه همراه شده است.

### جنگ درونی

جنگ چند جانبه‌ای که اکنون اسرائیل درگیر آن شده است یک جنگ درونی هم است؛ جنگی که توسط نخست‌وزیر برای تغییر هنجارها و نگرش‌های آنها برپا شده. اگرچه نتانیاهو در بسیاری از عقاید ایدئولوژیک متحدان راست‌گرای خود شریک است. اما نتانیاهو خود را در موقعیتی سیاسی قرار داده که او توسط آنها به گروگان گرفته شده است. اکنون او به دنبال گروگان گرفتن مردم اسرائیل است. حمله هفتم ماه اکتبر به ویژه اسرائیلی‌های سکولار را به بن‌بست کشاند. طی سه دهه پس از توافقتانس مادریاد ۱۹۹۱ و توافقنامه اسلو در سال ۱۹۹۳، این اسرائیلی‌ها به کشور خود به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از غرب و دگرگین آن با فلسطینی‌ها به‌عنوان یک مشکل باقی مانده که می‌توان آن را مدیریت کرد، نگریسته‌اند. مدیریت این مناقشه همزمان با رشد اقتصادی اسرائیل و اجتناب از حرکت‌های عمده به سوی جنگ یا صلح روبروگردی بود که نتانیاهو پس از بازگشت سیاسی خود در سال ۲۰۰۹ با موفقیت آن را فروخت؛ و تا زمانی که با تلاش برای بازنگری قضایی خود با آنها مخالفت کرد، این راهبرد اتحاد ضمنی بین نخست‌وزیر و نخبگان لیبرال اسرائیل را تسهیل کرد. حتی اگر آنها هرگز به او رأی نمی‌دادند، از منابع هگفتگ مالی که راهبرد او کسب کرد لذت برده و در تمجید از اسرائیل به عنوان یک «کشور توسعه‌گرا غیره» و «ملت استارت‌آپ» در حال رشد جهان، به پیشرفت دست یافتند.

اکنون لیبرال‌های اسرائیلی با فشار ترکیبی طرد شدن توسط غرب مترقی و شیطان‌سازی در داخل و به حاشیه راندن پایگاه نتانیاهو مواجه‌اند. اگرچه یهودیان محافظه‌کار و مذهبی اسرائیلی نیز از کاهش ارتش شکل و افزایش تورم رنج می‌برند، اما می‌توانند در مبارزه برای پیگرد قانونی جنگ اعتبار کسب کنند. این امر به ویژه در ارتباط با شهوک‌نشینان سرسخت کرانه باختری صدق می‌کند که احساس می‌کنند مخالفت آنها با خروج از غزه در سال ۲۰۰۵ به اثبات رسیده است و فرصتی برای ارتقای جایگاه خود در جامعه اسرائیل، به‌ویژه با توجه به اهمیت‌شان در نروم‌های رزمی ارتش، پیدا کرده‌اند.

متعهدترین و طردشده‌ترین لیبرال‌ها به دو راهبرد برای بقا روی آورده‌اند: یکی مهاجرت، دست‌کم به‌طور موقت یا درخواست برای دریافت گذرنامه خارجی براساس اصل ونسب. این پدیده مربوط به قبل از جنگ در غزه بود. از زمان آغاز کودتای قضایی نتانیاهو، صحبت از شکاف میان طبقه مرفه‌تر و تحصیل‌کرده اسرائیلی‌ها رایج شد و با طولانی شدن جنگ - و حکومت نتانیاهو - بر شدت آن افزوده شد. به نظر می‌رسد محبوب‌ترین مقاصد شامل یونان، پرتغال و تایلند در کنار پانگاه‌های سنتی تر همانند لندن و نیویورک می‌شوند. برخی از افراد توانسته‌اند شغل خود را در اسرائیل حفظ کنند و از راه دور در فضای دیجیتال فعالیت کنند. با این حال، دولت حضور نتانیاهو در قدرت شاید بزرگ‌ترین گسست سال گذشته با وضعیت موجود تاریخ اسرائیل باشد. نتانیاهو تا به امروز از پذیرفتن هرگونه مسئولیت در کشته شدن ۱۲۰۰ اسرائیلی، تجاوز و زخمی شدن بسیاری دیگر؛ بروده شدن ۲۵۰ گروگان، تخریب گسترده جوامع مرزی در حال رشد در یک روز و متعاقب آن تخلیه جوامع در شمال اسرائیل خودداری کرده است. محبوبیت نتانیاهو در اواخر سال ۲۰۲۳ کاهش یافت. اگرچه اعداد و ارقام در این زمینه از آن زمان به‌طور پیوسته بهبود یافته اما محبوبیت او هنوز از چهره‌های مخالف فلسطینی همانند نفعالی بنت نخست‌وزیر سابق کمتر است. یک نظرسنجی که در اسرائیل توسط کپت ۱۲-۲۰۲۳ کانال اصلی خبری اسرائیل -انجام شد نشان داد اگر امروز انتخاباتی در اسرائیل برگزار شود، ائتلاف نتانیاهو - که در حال حاضر ۶۸ کرسی در کنست دارد - تنها ۴۶ کرسی را به دست می‌آورد. نتانیاهو می‌داند مردم اسرائیل خشمگینند و او یک راهبرد چند جانبه را برای ماندن در قدرت دنبال کرده است. به مدت یک سال، نتانیاهو و حامیانش به صراحت تک‌اید کرده‌اند مقصر اتفاقات روز هفتم ماه اکتبر، ارتش اسرائیل و شین‌بت، سرویس امنیتی مسئول نظارت بر فلسطینی‌ها

و همچنین اسرائیلی‌هایی‌اند که به تلاش‌های او برای اجرای اصلاحات قضایی اعتراض کرده‌اند. این موضوع همچنین درباره نیروهای ذخیره ارتش نیز صدق می‌کند که تهدید کردند برای انجام وظایف داومطلبانه خود حاضر نمی‌شوند. نتانیاهو با شانه خالی کردن از مسئولیت و اقدامات دقیق برای حفظ پولک سیاسی‌اش، از تحقیقات باقوه و ویرانگر درباره سیاست همزیستی خود با حماس و اخراج مقامات ارتش جلوگیری کرد و هشدارهای مکرر ارتش و سازمان‌های اطلاعاتی در ارتباط با یک حمله قریب‌الوقوع به اسرائیل و تلاش برای تضعیف تشکیلات خودگردان فلسطین- شریک سابق صلح اسرائیل- را نادیده گرفت. نتانیاهو از ترس شکست در صندوق رأی و در تلاش برای یافتن راهمی برای به تعویق انداختن محاکمه خود به اتهام فساد، توانست از برگزاری انتخابات زودهنگام جلوگیری کند. یکی از مولفه‌های کلیدی راهبردی او طولانی کردن جنگ در غزه؛ گسترش آن به لبنان و اجتناب از دستیابی به توافق آتش‌بس با حماس بوده است؛ حتی به قیمت رها کردن گروگان‌های باقی مانده در غزه که با تهدید موانه‌اند و در تونل‌های باقی مانده در غزه احتمالاً کشته می‌شوند. نتانیاهو برای محافظت از خود، اختیارات فوق‌العاده‌ای را به دوستان خود در ائتلاف راست افراطی واگذار کرده که صراحتاً با هرگونه توافقی برسر گروگان‌ها که مستلزم عقب‌نشینی اسرائیل از غزه یا آزادی مبارزان فلسطینی از زندان‌های اسرائیل است، مخالفت می‌کنند. این نیز نشان دهنده تغییر ۱۸۰ درجه‌ای در نگرش ملی است. اسرائیلی‌ها همیشه به خود می‌بالند که هرچه در توان داشته باشند انجام می‌دهند تا گروگان‌ها را اسرای جنگی را به خانه بازگردانند؛ همان‌طور که در حمله ارتش اسرائیل در سال ۱۹۷۶ در انتبه در اوگاندا، برای نجات مسافران هواپیمای بروده شده افرانفس که از تل آویو به پاریس می‌رفت، مشخص شد. این یک عملیات جسورانه بود که طی آن برادر بزرگ‌تر نتانیاهو، یوئنی، طی آن جان خود را از دست داد. درست پنج سال پیش، نخست‌وزیر به مسکوف رفت و شخصاً با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه برای آزادی یک زن جوان اسرائیلی که به دلیل قاچاق مواد مخدر در روسیه بازداشت شده بود، مذاکره کرد. او درباره گروگان‌هایی که در روز هفتم ماه اکتبر دستگیر شدند، چنین کاری نکرده است.

اعضای ائتلاف او با درک اهمی که عزم نتانیاهو برای حفظ قدرت و محبوبیت شکننده‌اش در اختیار آنها قرار داده، اولویت‌های خود را با قدرتی تازه پیش بردند، ازجمله درخواست برای بازسازی شهرک‌های یهودی در غزه که شارون در سال ۲۰۰۵ آن را رها کرد. اگرچه نتانیاهو علناً این ایده را رد می‌کند اما او ممکن است وسوسه شود به نخستین رهبر اسرائیل تبدیل شود که ارضی اسرائیل را پس از چندین دهه عقب‌نشینی از سرزمین فلسطین، گسترش می‌دهد. طی هفته‌های اخیر لوین، وزیر دادگستری اسرائیل از سایه خراج شدت تا تلاش خود را برای بازنگری در مسائل قضایی از سر بگیرد. او کنایار گذاشتن مسیر قانونگذار،ی را به دیگر دکن در جنگ بورکراتیک، جلوگیری از انتصابات قضایی و نادیده گرفتن توصیه‌های حقوقی دادستان کل اسرائیل یعنی گالی بهاراو میبارا، روی آورد.

راهبرد دیگر بقا این است که به اعتراض علیه نتانیاهو و ائتلاف همچنان ادامه دهند و در عین حال از مبارزه نظامی علیه حماس و حزب‌الله حمایت کنند و برای آزادی گروگان‌های باقی مانده تلاش کنند. در اواخر ماه اوت، بحران گروگان‌گیری زمانی که اجساد شش اسرائیلی در تونلی در رفغ پیدا شد، به اوج خود رسید. صداهای حزب اسرائیلی که عصبانی بودند چرا نتانیاهو توافقی برای نجات این شش نفر اعلام نکرده و مذاکرات برای آزادی گروگان‌های باقی‌مانده را نهایی نمی‌کند، به خیابان‌ها آمدند. اما تاکنون اعتراضات خیابانی نتوانسته پایه‌های ائتلاف نتانیاهو را متزلزل کند. این تظاهرات توسط همان چهره‌ها ازجمله گالانت که رهبری تظاهرات علیه اصلاحات قضایی نتانیاهو راهبری می‌کرد، حمایت می‌شد و نخست‌وزیر آنها را نادیده می‌گرفت و این معترضان را به عنوان نیرویی سیاسی معرفی کرده بود که صرفاً به دنبال برکناری اویند و اکنون در حال استفاده از این وضعیت اسفبار گروگان‌ها به عنوان بهانه‌اند.

مخالفان نتانیاهو امیدوارند او به نحوی شانس خود را از دست بدهد یا یک شکاف قدیمی به‌طور منجره‌اساسی ایجاد کند که نتانیاهو، یکی از فشارهایی که نتانیاهو با آن مواجه است، موضوع پیش‌نویس معافیت برای نوجوانان افراطی ارتدوکس است. برای ده‌ها، رهبران افراطی ارتدوکس این معافیت (خدمت سربازی) را به این دلیل توجیه می‌کردند که جوانان‌شان نیاز به محافظت در برابر وسوسه‌های ناشی از زندگی سکولار دارند که ممکن است در یادگان‌ها با آن مواجه شوند. جنگ تازه نابرابری بی‌رحمانه بین اسرائیلی‌های افراطی ارتدوکس که مجبور به خدمت نیستند و بقیه جوانان اسرائیلی را که اکنون از آنها خواسته می‌شود برای کشورزنی‌اند، آشکار کرد. هجست است.

در ماه ژوئن، دادگاه عالی اسرائیل در اتفاق آراء اعلام کرد هیچ مبنای قانونی برای معافیت جوانان افراطی ارتدوکس وجود ندارد و این پیش‌نویس باید با هر دو گروه از جوانان به‌طور مساوی رفتار کند. دولت در اجرای این حکم سستی کرده اما ارتش نیز تمایلی به جذب نیرو به زور ندارد. این موضوع به‌زودی، زمانی که مجلس قانونگذاری اسرائیل به بودجه سال آینده رأی می‌دهد، بار دیگر مطرح خواهد شد. رهبران سیاسی افراطی ارتدوکس تهدید کرده‌اند دولت را سرنگون خواهند کرد، مانگرایک دولت به‌طور همزمان معافیت پیش‌نویس مورد نظرشان را تصویب کند. نتانیاهو برای محافظت از جناح خود، به تاژگی یک رقیب قدیمی به نام کیدون سوار، وزیر دادگستری سابق اسرائیل را به ائتلاف خود جذب کرده است.

با وجود اعتراضات اسرائیلی‌ها علیه نتانیاهو و درخواست آنها برای بازگرداندن گروگان‌ها به خانه - و اگرچه دولت آنها هنوز به «پیروزی کامل» که وعده داده بود دست نیافته است - احساسات ضد جنگ واقعی در جریان اصلی جامعه یهودی اسرائیل ناچیز است. حتی بسیاری از اسرائیلی‌هایی که از نتانیاهو و پایگاه اجتماعی محافظه‌کار او متنفرند و به اعتقادشان به دموکراسی سکولار افتخار می‌کنند، هرگز از ارتش‌های صلح‌طلبانه آمریکایی‌ها و اروپایی‌های لیبرال پس از جنگ جهانی دوم حمایت نخواهند کرد. آنها ترجیح می‌دهند با شعاری زندگی کنند که در سال ۱۹۶۶ در «مسنن اسپاگتی» «خوب، بد و زشت» معروف شد که از آن زمان به جایگاه کلیشه‌ای مورد احترام در تفسیر اسرائیلی دست یافته است؛ «وقتی با شلیک کنید، شلیک کنید. صحبت نکنید.» اسرائیلی‌ها مدت‌ها است که این فلسفه جنگ طلبانه را با اشاره به موقعیت خود در یک شرایط سخت توجیه کرده‌اند.

اکثر مخالفان سرسخت نتانیاهو، ازجمله اعضای عالی‌رتبه فعال و بازنشسته ارتش و بستگان گروگان‌های باقی مانده در غزه، وقتی خواستار آتش بسند، چیزی کمتر از صلح را تصور می‌کنند. سالیمنی وقت اسرائیل از بخش‌هایی از غزه در ازای آزادی گروگان‌های، با صلح‌نویس و پیمان و به دنبال آن اشغال مجدد ارتش اسرائیل و از سرگیری جنگ تا زمانی که حماس در به‌بال شکسته شود و سنوار کشته شود و سپس، احتمالاً بازگشت به نسخه‌ای دوازتار از وضعیت قبل از جنگ، ازجمله تصرف اراضی در شمال غزه به‌عنوان یک به اصطلاح حلقه امنیتی، تهاجم جدید در لبنان حتی کمتر بحث‌برانگیز است. برخی از رهبران مخالف نتانیاهو مانند خود نخست‌وزیر شوشیوک به اشغال مجدد موقت مناطق آن سوی مرز و اخراج ساکنان لبنانی آنها می‌شوند. نتانیاهو ممکن است

محبوب نباشد اما او یک سیاست مردمی را رهبری می‌کند.

دولت‌های آمریکا و کشورهای بزرگ اروپایی تنها در برابر تحرکات اسرائیل در غزه و کرانه باختری مقاومت نشان داده‌اند. کانادا، اتحادیه اروپا، فرانسه، انگلیس و آمریکا برخی از شهرک‌نشینان خشن را که به فلسطینی‌ها حمله کرده‌اند، تحریم کرده و آلمان، انگلیس و آمریکا فروش مهماتی همانند بمب‌های دوزخار پوندی را به اسرائیل متوقف کرده‌اند. اما درمجموع، غرب عملاًدست اسرائیل را در عملیات خود در غزه و کرانه باختری آزاد گذاشته و تاکنون هیچ تلاش واقعی برای احیای روند صلح اسرائیل و فلسطین انجام نداده و به اظهارات نتانیاهو مبنی بر اینکه اکنون زمان مناسبی برای این کار نیست، گوش داده است. این سیاست نشان‌دهنده پویایی دیرینه در روابط اسرائیل با غرب و به‌ویژه با آمریکا است؛ متحدان غربی موافقت می‌کنند تا زمانی که اسرائیل به نگرانی‌های آنها در خاورمیانه بزرگ‌تر احترام می‌گذارد، از رهبری اسرائیل در موضوع فلسطین تبعیت کنند.

با این حال، با وجود حمایت دولت‌های غربی از تلاش‌های جنگی، اسرائیلی‌ها به‌طور فزاینده‌ای احساس می‌کنند از بقیه جهان دورند. برخی از این احساس بیگانگی، موجه است. بیشتر خطوط هوایی خارجی پروازهای خود به تل آویو را متوقف کرده‌اند. رتبه اعتباری اسرائیل در پایین‌ترین سطح خود در تاریخ قرار دارد. اما برخی از این ازینا خود تحمیلی است؛ رسانه‌های عبری جریان اصلی اعتراضات طرفدار فلسطین در دانشگاه‌های غربی و مکان‌های عمومی و نیز حوادث یهودی سستیزانه را برجسته می‌کنند و تا حد زیادی اد‌عای نتانیاهو را می‌پذیرند که تجسم قدیمی‌ترین و غیرمنطقی‌ترین اشکال از نفرت از یهودی‌باند. به‌طور مشابه، اد‌عاهایی مبنی بر اینکه اسرائیل مرتکب جنایات جنگی یا تلاش برای نسل‌کشی در غزه شده - که در حال حاضر در دو دادگاه بین‌المللی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد - به‌طور کلی در اسرائیل به‌عنوان تبلیغات شورانه توصیف می‌شود.

اسرائیلی‌ها در ماه سپتامبر، زمانی که دولت حملات خود را علیه حزب‌الله تسریع کرد، اعتماد به‌نفس خود را تقویت کردند. پس از هفتم ماه اکتبر، حزب‌الله نشان داد قادر است شهرها، فرودگاه‌ها و نیروگاه‌های اسرائیل را نابود کند و ارتش اسرائیل را مجبور کرد نیروهای زمینی خود را بین جنوب و شمال اسرائیل تقسیم کند. از نظر اسرائیلی‌ها - که از هفتم ماه اکتبر سرکوب و تضعیف شده‌اند - ضد حمله ارتش اسرائیل یادآور جنگ شش روزه ۱۹۶۷ بود که در آن اسرائیل به لطف نیروی هوایی برتر به سرعت پیروز شد. نتانیاهو اعلام کرد اسرائیل در جنگ «برنده» است و ایران - حامی حزب‌الله - را نیز به حملات مشابه تهدید کرد. وزارت آموزش اسرائیل دستور برگزاری جشن در مدارس مذهبی دولتی را صادر کرد. یهودیان سکولار و لیبرال اسرائیلی در ملامح حاضر نمی‌شدند اما آنها نیز شاد بودند. در شبانه‌شب و با آموران اطلاعاتی هوشمند خود برای احساس پیروزی، اعتبار می‌بخشیدند.

اما این سرخوشی به سرعت از بین رفت پس از آن که ایران با موشک‌های زیادی پاسخ داد و نیروهای حماس شش نفر را در قطار شهری در تل آویو کشتند. عملیات زمینی نوپا در لبنان از نظر تلفات نظامی اسرائیل پرهیاتر از حملات هوایی و عملیات ویژه قبلی بوده است. بدیهی است یک جنگ منطقه‌ای بزرگ‌تر که در آن ایران حضور داشته باشد، پیروزی‌های سریع و پایداری را برای اسرائیل به ورمان نخواهد آورد. و احساس اسرائیلی‌ها مبنی بر باخت بزرگ‌تر از هر چیزی است که مأموریت‌های موفق علیه حزب‌الله و حتی ایران بتوانند آن را تغییر دهند. برای آنها ضروری است که بپذیرند واقعیت گسترده‌تر آنها از روز هفتم ماه اکتبر تغییر کرده و راهبرد آنها باید همراه با آن تغییر کند.

### تل آویو در سوگ خسارات جنگ

پس از گذشت یک سال، این کشور همچنان در سوگ خسارات ناشی از این کشتار به سر می‌برد و تصاویر آن به‌طور مداوم در رسانه‌ها پخش می‌شود. اسرائیل در حال از دست دادن موقعیت اقتصادی خود و خروج قابل توجهی از نخبگان لیبرال است. دولت نتوانسته هیچ‌گونه احساس خود را به میان شهروندان خود بازگرداند و به سیاست قریب‌مسئله‌اساسی ایجاد کند که نتانیاهو، یکی از فشارهایی که نتانیاهو با آن مواجه است، موضوع پیش‌نویس معافیت برای نوجوانان افراطی ارتدوکس است. برای ده‌ها، رهبران افراطی ارتدوکس این معافیت (خدمت سربازی) را به این دلیل توجیه می‌کردند که جوانان‌شان نیاز به محافظت در برابر وسوسه‌های ناشی از زندگی سکولار دارند که ممکن است در یادگان‌ها با آن مواجه شوند. جنگ تازه نابرابری بی‌رحمانه بین اسرائیلی‌های افراطی ارتدوکس که مجبور به خدمت نیستند و بقیه جوانان اسرائیلی را که اکنون از آنها خواسته می‌شود برای کشورزنی‌اند، آشکار کرد. هیچ است.

در ماه ژوئن، دادگاه عالی اسرائیل در اتفاق آراء اعلام کرد هیچ مبنای قانونی برای معافیت جوانان افراطی ارتدوکس وجود ندارد و این پیش‌نویس باید با هر دو گروه از جوانان به‌طور مساوی رفتار کند. دولت در اجرای این حکم سستی کرده اما ارتش نیز تمایلی به جذب نیرو به زور ندارد. این موضوع به‌زودی، زمانی که مجلس قانونگذاری اسرائیل به بودجه سال آینده رأی می‌دهد، بار دیگر مطرح خواهد شد. رهبران سیاسی افراطی ارتدوکس تهدید کرده‌اند دولت را سرنگون خواهند کرد، مانگرایک دولت به‌طور همزمان معافیت پیش‌نویس مورد نظرشان را تصویب کند. نتانیاهو برای محافظت از جناح خود، به تاژگی یک رقیب قدیمی به نام کیدون سوار، وزیر دادگستری سابق اسرائیل را به ائتلاف خود جذب کرده است.

با وجود اعتراضات اسرائیلی‌ها علیه نتانیاهو و درخواست آنها برای بازگرداندن گروگان‌ها به خانه - و اگرچه دولت آنها هنوز به «پیروزی کامل» که وعده داده بود دست نیافته است - احساسات ضد جنگ واقعی در جریان اصلی جامعه یهودی اسرائیل ناچیز است. حتی بسیاری از اسرائیلی‌هایی که از نتانیاهو و پایگاه اجتماعی محافظه‌کار او متنفرند و به اعتقادشان به دموکراسی سکولار افتخار می‌کنند، هرگز از ارتش‌های صلح‌طلبانه آمریکایی‌ها و اروپایی‌های لیبرال پس از جنگ جهانی دوم حمایت نخواهند کرد. آنها ترجیح می‌دهند با شعاری زندگی کنند که در سال ۱۹۶۶ در «مسنن اسپاگتی» «خوب، بد و زشت» معروف شد که از آن زمان به جایگاه کلیشه‌ای مورد احترام در تفسیر اسرائیلی دست یافته است؛ «وقتی با شلیک کنید، شلیک کنید. صحبت نکنید.» اسرائیلی‌ها مدت‌ها است که این فلسفه جنگ طلبانه را با اشاره به موقعیت خود در یک شرایط سخت توجیه کرده‌اند.

اکثر مخالفان سرسخت نتانیاهو، ازجمله اعضای عالی‌رتبه فعال و بازنشسته ارتش و بستگان گروگان‌های باقی مانده در غزه، وقتی خواستار آتش بسند، چیزی کمتر از صلح را تصور می‌کنند. سالیمنی وقت اسرائیل از بخش‌هایی از غزه در ازای آزادی گروگان‌های، با صلح‌نویس و پیمان و به دنبال آن اشغال مجدد ارتش اسرائیل و از سرگیری جنگ تا زمانی که حماس در به‌بال شکسته شود و سنوار کشته شود و سپس، احتمالاً بازگشت به نسخه‌ای دوازتار از وضعیت قبل از جنگ، ازجمله تصرف اراضی در شمال غزه به‌عنوان یک به اصطلاح حلقه امنیتی، تهاجم جدید در لبنان حتی کمتر بحث‌برانگیز است. برخی از رهبران مخالف نتانیاهو مانند خود نخست‌وزیر شوشیوک به اشغال مجدد موقت مناطق آن سوی مرز و اخراج ساکنان لبنانی آنها می‌شوند. نتانیاهو ممکن است

محبوب نباشد اما او یک سیاست مردمی را رهبری می‌کند. دولت‌های آمریکا و کشورهای بزرگ اروپایی تنها در برابر تحرکات اسرائیل در غزه و کرانه باختری مقاومت نشان داده‌اند. کانادا، اتحادیه اروپا، فرانسه، انگلیس و آمریکا برخی از شهرک‌نشینان خشن را که به فلسطینی‌ها حمله کرده‌اند، تحریم کرده و آلمان، انگلیس و آمریکا فروش مهماتی همانند بمب‌های دوزخار پوندی را به اسرائیل متوقف کرده‌اند. اما درمجموع، غرب عملاًدست اسرائیل را در عملیات خود در غزه و کرانه باختری آزاد گذاشته و تاکنون هیچ تلاش واقعی برای احیای روند صلح اسرائیل و فلسطین انجام نداده و به اظهارات نتانیاهو مبنی بر اینکه اکنون زمان مناسبی برای این کار نیست، گوش داده است. این سیاست نشان‌دهنده پویایی دیرینه در روابط اسرائیل با غرب و به‌ویژه با آمریکا است؛ متحدان غربی موافقت می‌کنند تا زمانی که اسرائیل به نگرانی‌های آنها در خاورمیانه بزرگ‌تر احترام می‌گذارد، از رهبری اسرائیل در موضوع فلسطین تبعیت کنند.

با این حال، با وجود حمایت دولت‌های غربی از تلاش‌های جنگی، اسرائیلی‌ها به‌طور فزاینده‌ای احساس می‌کنند از بقیه جهان دورند. برخی از این احساس بیگانگی، موجه است. بیشتر خطوط هوایی خارجی پروازهای خود به تل آویو را متوقف کرده‌اند. رتبه اعتباری اسرائیل در پایین‌ترین سطح خود در تاریخ قرار دارد. اما برخی از این ازینا خود تحمیلی است؛ رسانه‌های عبری جریان اصلی اعتراضات طرفدار فلسطین در دانشگاه‌های غربی و مکان‌های عمومی و نیز حوادث یهودی سستیزانه را برجسته می‌کنند و تا حد زیادی اد‌عای نتانیاهو را می‌پذیرند که تجسم قدیمی‌ترین و غیرمنطقی‌ترین اشکال از نفرت از یهودی‌باند. به‌طور مشابه، اد‌عاهایی مبنی بر اینکه اسرائیل مرتکب جنایات جنگی یا تلاش برای نسل‌کشی در غزه شده - که در حال حاضر در دو دادگاه بین‌المللی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد - به‌طور کلی در اسرائیل به‌عنوان تبلیغات شورانه توصیف می‌شود.

اسرائیلی‌ها در ماه سپتامبر، زمانی که دولت حملات خود را علیه حزب‌الله تسریع کرد، اعتماد به‌نفس خود را تقویت کردند. پس از هفتم ماه اکتبر، حزب‌الله نشان داد قادر است شهرها، فرودگاه‌ها و نیروگاه‌های اسرائیل را نابود کند و ارتش اسرائیل را مجبور کرد نیروهای زمینی خود را بین جنوب و شمال اسرائیل تقسیم کند. از نظر اسرائیلی‌ها - که از هفتم ماه اکتبر سرکوب و تضعیف شده‌اند - ضد حمله ارتش اسرائیل یادآور جنگ شش روزه ۱۹۶۷ بود که در آن اسرائیل به لطف نیروی هوایی برتر به سرعت پیروز شد. نتانیاهو اعلام کرد اسرائیل در جنگ «برنده» است و ایران - حامی حزب‌الله - را نیز به حملات مشابه تهدید کرد. وزارت آموزش اسرائیل دستور برگزاری جشن در مدارس مذهبی دولتی را صادر کرد. یهودیان سکولار و لیبرال اسرائیلی در ملامح حاضر نمی‌شدند اما آنها نیز شاد بودند. در شبانه‌شب و با آموران اطلاعاتی هوشمند خود برای احساس پیروزی، اعتبار می‌بخشیدند.

اما این سرخوشی به سرعت از بین رفت پس از آن که ایران با موشک‌های زیادی پاسخ داد و نیروهای حماس شش نفر را در قطار شهری در تل آویو کشتند. عملیات زمینی نوپا در لبنان از نظر تلفات نظامی اسرائیل پرهیاتر از حملات هوایی و عملیات ویژه قبلی بوده است. بدیهی است یک جنگ منطقه‌ای بزرگ‌تر که در آن ایران حضور داشته باشد، پیروزی‌های سریع و پایداری را برای اسرائیل به ورمان نخواهد آورد. و احساس اسرائیلی‌ها مبنی بر باخت بزرگ‌تر از هر چیزی است که مأموریت‌های موفق علیه حزب‌الله و حتی ایران بتوانند آن را تغییر دهند. برای آنها ضروری است که بپذیرند واقعیت گسترده‌تر آنها از روز هفتم ماه اکتبر تغییر کرده و راهبرد آنها باید همراه با آن تغییر کند.